

روز

زن !

روز پدر، روز مادر، روز کودک روز درد
روز ما در تاریکی و انتظاریم روز مرگ

با نیت نیک مخلصانه، ابراز نظر دوستانه، سلام
برادرانه به شما ملتی که روز زن های نا روز دیده تان را
در این سر زمین خون آتش به تجلیل گرفته اید ابراز
تسلیت می نمایم. ای وای که زنان مظلوم، اسیران پنجه
خونین استعمارگران جهانی قرن ۲۱ میلادی با نوکران
خریده شده ارتجاع منطقه مجبور به رعایت قانون و
مقررات اجتماعی، اخلاقی و دینی گردیده اند.

دولت به خران دادند، نعمت به سگان
ما بهر تماشای جهان آمده ایم

ای ملتی که با خوشحالی و شادمانی روز زن را تجلیل می کنید به آن یتیمان بی پدر که به خاطر یک لقمه نان شب روز اشک می ریزند توجه نه می گردد؟ چرا روح سعدی "شیرازی" شیرین کلام را ناشاد می سازید؟ "چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار" از یک سو مسلمانان می گویند که در محضر یتیم نباید پدر پسر خود را ببوسد. ولی وقتی وارد صفحه های فس بوک می شویم چه نازک بازی ها بین زنان و پسران تجلیل و به نمایش گرفته می شود.

زنان در افغانستان که با تن افسرده و قامت خمیده زیر چماق استکبار برای ادامه حیات نفس می کشند چه روزی خواهند داشت که برای شان تبریکی گفته شود؟ من هم چشم پت و دهن باز روز زن را به تمام زنان دنیا مبارک باد می گویم. زنی که برای انتقال کوله بار غم های زندگی، به خاطر اعصای پیریش نا دانسته تسلیم به "اراده معطوف به بقا" شده فرزندی برای خدمت استعمار به دنیا آورده. امید وارم تن آسوده و دل بی غم داشته باشند.

تا زنده ام یاد زنان را ضرور کنیم با احترام بهر زنان روز گرفته ایم

از خداوند تمنا دارم تا در طول عمر و عرض زندگانی
قلب های شان شادی و خوشی موج بزند و گوش ها از
شنیدن نغمه غم انگیز دور باشد، مرگ نا به هنگام سراغ
تمام زنان درد دیده این سر زمین نه آید. فرزندان به داد
واویلای مادران شان رسیدگی کرده بتوانند و مرحم
گذار دل های ریش مادران و زنان گردند. فقر و تنگ
دستی مقام پدری و مادری شما را متزلزل نکرده و از
اهمیت تان نه کاسته، زندگی با عزت داشته باشید.

پدران و مادران خوب می دانند که تربیه اولاد سخت
تر از فتح یک کشور است. مادر و پدری که در غرب
زندگی می کنند امروز و فردایش در تفاوت های شکلی
و کیفی قرار دارد. اما پدر و مادری که در جهان عقب
مانده مانند افغانستان حیات به سر می برند روز های
شان یکسان سپری می گردد. از جمله ۳۶۵ روز، یک روز
را به نام پدر، یک روز را به نام مادر، یک روز را به نام
زن، یک روز را به نام کودک انتخاب نموده اند.

در حقیقت کیفیت زندگی عمر افغانستانی ها یک روز را ۳۶۵ بار تکرار می نمایند. در کمیت یک سال حسابش می کنند. انسان ها در روز های که خود شان نامگذاری کرده اند با هم خوشی می کنند و از موجودیت خویش به روی زمین تجلیل به عمل می آورند. چون خوشی به زن ها و مرد ها هدیه داده نه می شود بلکه مکلف اند که برای خود روز های خوشحالی را تدارک ببینند. به قناعت روحی و روانی خویش پردازند.

با وجودیکه تجلیل این روز ها با دین اسلام متضاد نیست اما دینداران حرفه وی "ملاها" یاد بود این روز ها را مباح می دانند. در حالیکه در امر نهیه آن در قران و احادیث چیزی گفته نشده است. اما جهالت و عقب ماندگی بشر مانع احترام به حقوق خودش گردیده است. فرهنگ و تمدن مسلمانان از قرن ۹ میلادی توسط نوابغ غیر عرب با پالنده گی آغاز و در قرن ۱۶ میلادی از سرعتش آهسته آهسته کاسته می شود.

این جاست که فرهنگ کشور های اسلامی با تمدن غرب ناسازگار و حتا در تضاد قرار می گیرد. غربی ها برای افغان های مسلمان با اجبار احکام قرن ۶ میلادی را

جاری و سزاوار دیدند. آیا ایجاب می کند که از روز های نام نهاد فوق الذکر نا دانسته تجلیل نمایم؟

ایا افغان ها امکانات اقتصادی روز های مناسبتی قابل تجلیل را دارند و یا با برای تجلیل تقلید شان پاه در گلوی هم وطنان خویش گذارند، حقوق آنها را تصاحب کرده خود را به مقصد برسائند. بلی راست گفته اند که تقلید خود کُشیست. در حالیکه غرور، تکبر، نفرت، فقر و بد فرهنگی در وجود عقب مانده گان تاریخ موج می زند اما کور کورانه در امورات زندگی خویش به خوشی های کاذب متصل گردند.

برای اینکه استعمار برنامه های خود را خوبتر تطبیق بتواند کشور ما را در جمله عقب مانده ترین سرزمین های دنیا نگهداری نموده تا برای تامین منافع خویش با هزینه کمتر مزدور گیری داشته باشند تا طبق میل خود مردم بیچاره را استعمال نمایند. ما را از نعمت تمدن محروم نمایند. از همه اولتر به اسارت خود باید تفکر داشته باشیم.

روز های درد را به روز های آزادی، فهم و دانش مبدل

نموده به جایگاه زن، پدر، مادر و کودک مقام ارزشمند را قائل شویم. به حق شان احترام بگذاریم. ملتی که حق تعیین رهبر و زمامدار خود را نداشته باشند و قدرت های جهانی به نوبت طبق اهداف و منافع خود زمامدار دیوانه، وزیر معیوب و دزد را لازم ببینند طبق تشکیلات استعماری امام خابین، رهنمای جاهل، سیاست مدار نادان، قاضی مفسد را برای ملت سزاوار ببینند و از کوچکترین حقوق انسانی مردم را محروم بدارند، از نظر حیثیتی آیا اسیر از داشته گی های خود تجلیل و خوشی کرده می تواند؟

سرنوشت زنان، پدران، مادران، کودکان در این قسم نظام ها در کدام سویه قابل بررسی خواهد بود؟ اگر هیولای اشباح! نوروز را حرام بداند ملت مجبور می گردد از روز زن، روز پدر، روز مادر، روز کودک دزدانه تجلیل به عمل بیاورند. جای تاسف و اندوه است که کشور در قبضه استعمار قرار گرفته برای ملت اسیر، روز بی اعتمادی، روز شک تردید، روز بی ایمانی، روز خیانت، روز دروغ، روز بد اخلاقی، روز حق تلفی، روز نادانی، روز فساد و روز جهالت که از این روز ها به طور وافر در کشور جاری است با اشتیاق زیاد مبارزه

صورت گیرد.

ما محصور به زندانیم جلابان دین با تباری استعمار جهانی بی باکانه ما را در بازار آزاد به نرخ متاع بی بها مورد خرید و فروش قرار داده با چشم سفیدی این روزها را برای ما قابل تجلیل می پندارند. شهری که در بین مردمش گفتار بد جنایت و عمل بد مباح مروج باشد. هم وطن خود را به خاطر منافع بادارش تیر باران نمایند، وطن خود را در مقابل پول و قدرت به معامله بگیرند ملتش چه روز می داشته باشند؟

معلم و دانشمندان خود را به دستور مفتی های اجنبی اعدام و فرار دهند، نادانی و حماقت تا مغز استخوان شان نفوذ کرده باشد. وطن فروشی را جز افتخارات خویش بدانند عزت و احترام انسانی را به نرخ گاه در بازار آدمگری خرید و فروش نمایند چه فرمایش برای شان ضروریست. از زاد روز تولد خودش، پدرش، مادرش و کودکش به کدام روی تجلیل خواهد نمود.

پرسشگر: - در کشوری که در دلهای مردمش غم می جوشد، از چشمان جوانانش خون روان است، توتته های

وجود شهروندانش در جاده ها باد گردد، مردمش به خاطر یک لقمه نان اولاد خود را می فروشند، بازار گرده فروشان روز تا روز گرمتر شده روان است، نسل کشی و قوم کشی اصالت حاکمیت باشد، آیا لازم است که از روز زن، روز کودک، روز مادر، روز پدر، و غیره روز های تشریفاتی که در فرهنگ انسان ها تسجیل و نام گذاری گردیده است تجلیل نمایند؟



کودکان گرسنه با کاسه های گدایی !

پرسشگر:- آیا ملت حق دارد روز کودک را برای کودکانی که هر روز بر اجساد بی جان آغشته به خون پدران شان که نان آوران فامیل آنها می باشند اشک می ریزند

مبارک باد بگویم؟

پرسشگر: - آیا به کودکانی که در سرزمین گرگان آدم
چهره در فقر و تنگدستی در بدترین شرایط مرگبار
دست‌گدایی دراز کرده با گلوی غم بار صدا می‌زنند
کاکا جان خیرات بتی، ماما جان خیرات بتی. او مردم
خیرات بتی روزشان را تبریک بگویم؟



کودکی که از گرسنگی دست‌به‌گدایی می‌زند.

پرسشگر:- آیا به کودکانی که بنابر محرومیت های زندگی در بدترین حالت فقر، تنگدستی و مکتب ستیزی حاکمان مزدور از تدریس علم و دانش دور شده اند، در کوچه های بی انصافی شهر، اسپندی، موتر شوی، پاکت فروشی و بوت پالش اند، روز شان را با چه روی تبریک بگویم؟



گریه نه کن دلبندم برایت مسجد، کلیسا، کنیسه و معبد
اعمار کردیم تا برایت دعا کنیم.

پرسشگر:- آیا به کودکانی که با شکم گرسنه در چهاراهی های شهر با دستمال، شیشه موترها را پاک و صافی می کنند و از طرف موترداران باخسونت و دشنام پذیرایی می گردند می شود گفت روزت تبریک؟



(کودک افغانستانی به خاطر ادامه زندگی در جاده های شهر کابل و ولایات در چنین حالت زندگی می کنند)



کودک از گرسنگی در کثافت دانی نان جستجو می کند. سینما پامیر مقابل شفاخانه میوند.

پرسشگر: آیا به کودکانی که برای خواندن و یاد گرفتن

سبق دینی و شناخت حروف الفبای زندگی و کسب دین
به مدرسه ها و مساجد توسط ملاها سخت ترین
مجازات و یا مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند روز
شان قابل تبریک گفتن است؟



(شیوه تدریس دین بالای کودکان افغانستان)

پرسشگر:- آیا به کودکانی که برای ادامه حیات و پیدا
کردن یک لقمه نان به شانه های شان سلاح داده می
شود و در صفوف جنگجویان جهادی، طالبی و داعشی

جذب می گردند و هم چنان مورد استفاده جنسی و
ابزاری قرار می گیرند تبریک بگویم؟



(تشویق کودکان افغانستان برای جنگ و جهاد)

پرسشگر: - آیا به کودکانی که توسط مافیای مواد مخدر
ربوده شده با وحشی ترین ظلم کشته می شوند در

بطن جسد بی جان‌شان مواد مخدره را جابجا نموده
قاچاق می‌کنند روز این کودکان قابل تبریک است؟

پرسشگر:- آیا پدرانی که با لبان خشک شکم گرسنه از
بام تا شام منتظر پیدا کردن یک لقمه نان برای اولاد
های شان در جاده های شهر چشم به راه می‌نیشند و
شام با تن افسرده دست خالی به خانه بر می‌گردند.
بالای دستر خوان با خجالتی به روی فامیلش می‌نگرند
که وجیبه پدری خود را نتوانسته ادا کنند. روز شان را
تبریک بگویم؟



پدری که صرف به خاطر نان خشک کار می کند.

پرسشگر:- آیا به مادرانی که از بیکسی و بی نانی در
جاده ها شهر دست به گدایی و کارهای شاقه با هزار نا
امیدی جبری مصروف اند روز مادر، روز زن را برای
شان را تبریکی بگویم؟



مادری که به اولادش هایش نان خوردن ندارد.

پرسشگر: آیا به زنانیکه از تمام حقوق انسانی شان محروم در جاده های شهر با شلاق امربالمعروف تن افسرده شان داغدار و مورد خشونت قرار می گیرند روز زن را برای شان را تبریکی بگویم؟

پرسشگر! با تاسف که استعمار و زمامداران مزدورش جواب به چرا های مردان، زنان، کودکان این سر زمین ندارند خجالت زده از پرسش های مردم فرار می کنند.

شایان ذکر می دانم که ملت با آگاهی برای تجلیل روز آزادی و انسانیت تلاش، سعی کوشش نمایند و پنجه های شریر مفتی های مزدور دینی را از گلوی خود بشکنند با مشت بر دهن استعمار بکوبند روز آزادی را به تجلیل بگیرند.

امید وارم از این بیش دنباله رو استعمار و گروه های بدنام جهاد گران دین فروشان خود سر گردان نه سازند. اگر اعمال وحشی های حاکم این سر زمین با چنین جملات دردناک و بی باک افکار به نقد گرفته شده است بدانند روزی ملت حلقه دار را به گردن های شان

حمیل خواهند نمود. هرگز با چشمان بسته، عقل کور
به دستور استعمار به این سیاه روزی ها تحمل نه
خواهند کرده راه بیداری را انتخاب می کنند.

لعنت به استعمار و چوچه های مزدور شغال صفتش که
کتاب دست کودکان را می گیرند. نان دسترخوان شان
را می دزدد و آنها را به سر نوشت خونین سوق می
دهند. به تمام پدرانی که کله های شان پر از باور های
گندیده و افکارش شان مملو از زشتی و خشونت در
حق زن، طفل و مردم باشد. نه این که روز زن را برای
شان تبریک نه می گویم بلکه مقام شان را از حیوانات
لاش خور پایین تر دانسته هزاران نفرین را به وجود
کثیف شان با صدای بلند سزاوار می بینم. یاهو
"کمان"

(هشت مارچ)

